

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انقلاب اسلامی

از پیروزی تا تحکیم

ناگفته‌های تاریخی از تشکیل شورای انقلاب و دولت موقت

تا سقوط بنی صدر

۱۳۶۰ - ۱۳۵۷

عباس شادلو


نشر روزاء

تهران ۱۳۸۸

فهرست

۷ مقدمه
۱۳ پیشگفتار
۲۱	فصل اول - جریانات سیاسی در بدو پیروزی انقلاب
۲۲ - جریان اسلامی
۲۲ - حزب جمهوری اسلامی
۲۹ - جریان راست مذهبی
۳۳ - ارتباط حزب جمهوری اسلامی و هیئت مؤتلفه اسلامی
۳۶ - جریان ملی و چپ
۳۷ - جریان ملی
۳۸ - جریان چپ
۴۳	فصل دوم - حوادث پس از پیروزی انقلاب
۴۳ - دولت موقت - انتقال قدرت
۵۸ - رفراندوم تبدیل نظام به جمهوری اسلامی
۶۰ - اولین اختلافات سیاسی
۸۰ - استعفای دولت موقت
۸۸ - تسخیر سفارت آمریکا - استعفای دولت موقت
۱۱۱ - انتخابات خبرگان قانون اساسی
۱۳۷	فصل سوم - انتخابات اولین دوره ریاست جمهوری
۱۴۷ - انصراف جلال‌الدین فارسی
۱۵۲ - شکاف در جریان اسلامی
۱۶۱ - برگزاری اولین انتخابات ریاست جمهوری
۱۶۴ - جمع‌بندی حزب جمهوری اسلامی از انتخابات

- ۱۷۲.....نامه سران حزب جمهوری اسلامی به امام خمینی (ره).
- ۱۷۷ فصل چهارم - انتخابات اولین دوره مجلس شورا
- ۱۷۸.....اختلاف بر سر نحوه انتخابات.
- ۱۷۹.....رقابت جریان‌های سیاسی.
- ۱۸۵.....برگزاری انتخابات.
- ۱۸۹.....مرحله دوم انتخابات.
- ۱۹۵ فصل پنجم - انتخاب اولین نخست‌وزیر
- ۲۰۰.....قطع رابطه با آمریکا.
- ۲۰۵.....توافق بر سر نخست‌وزیر.
- ۲۱۸.....تشکیل هیئت دولت.
- ۲۳۱.....نامه بنی‌صدر به امام در مورد دولت.
- ۲۳۷.....واقعه ۱۴ اسفند ۵۹.
- ۲۴۳.....دو نامه از سران حزب جمهوری اسلامی.
- ۲۵۳.....حامیان موقت بنی‌صدر.
- ۲۵۴.....سرنوشت.
- ۲۵۷.....مواضع مرحوم حاج سید احمد خمینی.
- ۲۶۵.....مواضع آیت الله اشراقی (داماد امام).
- ۲۶۷.....مواضع حزب جمهوری اسلامی.
- ۲۶۹.....تشکیل شورای حل اختلاف.
- ۲۷۳ فصل ششم - برکناری بنی‌صدر
- ۲۷۳.....برکناری بنی‌صدر.
- ۲۸۰.....رأی شورای حل اختلاف.
- ۲۹۴.....انتخابات ریاست جمهوری دوره دوم.
- ۳۰۲.....تشکیل هیئت دولت.
- ۳۰۹ فصل هفتم - جمع‌بندی

مقدمه:

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّذِرُوا أَعْلَامَانَ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعْمًا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا

بدرستی که خداوند به شما امر می‌کند امانتها را به اهلس برسانید و چون میان مردم به حکومت و قضاوت می‌نشینید به عدالت حکم کنید ، همانا که خداوند چه خوب به شما پند می‌دهد و موعظه می‌کند همانا که خداوند بسیار شنوا و بینا است.

علم تاریخ حداقل فایده‌ای که برای خواننده‌اش در بر دارد این است که او را از احوال و چگونگی عملکرد حاکمان و صاحبان قدرت در روزگار گذشته آگاه و او را به نقاط ضعف و قوت آنها واقف می‌سازد زیرا غالباً تاریخ به شرح حال حواشی قدرت و حاکمان می‌پردازد و کمتر سخنی از مردم و قاعده هرم قدرت به میان می‌آورد. با تفکر بیشتر در می‌یابیم عملکرد حاکمان که همان بازیگران اصلی صحنه تاریخ‌اند در مواقعی باعث افول و در مقاطعی از زمان نیز باعث رشد و تعالی جامعه بوده است. از آنجا که تاریخ همواره در حال تکرار است خواننده آن با علم به علل حوادث ناگوار و تأثیر برای وقایع درخشان و غرورانگیز تاریخ هر مرز و بوم ، در تصمیم‌گیری‌های آتی به

گونه‌ای عمل می‌کند که حداقل مورد سرزنش آیندگان قرار نگیرد. علم تاریخ بیش از هر کس دیگر باید مطلوب و مورد توجه سیاستمداران و صاحبان قدرت قرار گیرد. به عبارتی مطالعه تاریخ، همه ما به خصوص حاکمان را به اعتدال و میانه‌روی و شک در درستی هر عمل خطیری که قصد اجرای آن را دارند فرامی‌خواند. از این رو انسان‌های بزرگ یابزرگ نما که در کسوت حاکمان زمام امور مردم را در دست دارند و هر حکم اشتباهشان به نسبت بزرگی منصبشان ممکن است به رخدادی بزرگ یا فاجعه‌ای تلخ بدل شود نیاز بیشتری به مطالعه تاریخ گذشته دارند.

اما در اینجا دو نکته اساسی وجود دارد: اول آنکه همواره در طول تاریخ، تاریخ‌نویسان منصوب صاحبان قدرت بوده و به نفع و دلخواه آنان تاریخ را تحریف می‌کردند و این مسئله تا حدود زیادی در روزگار ما نیز وجود دارد. اصولاً تاریخ‌نگاری بی طرفانه و منصفانه‌ییمی بی بدیل است. نویسندگان تاریخ در هر زمان می‌باید بر طبق وجدان صنفی، رسالت خود را بدون غرض و مرض یا اندکی حب و بغض به انجام رسانده و همانند ناظری بی طرف وقایع را شرح داده و به نسل‌های بعدی منتقل سازند، (که البته بسیار نادر است) به عبارت دیگر راویان تاریخ وظیفه دارند امانت (واقعیات) را درست و بی‌کم و کاست به اهلش (آیندگان) منتقل کنند «ان الله ان تؤدوا الامانات الی اهلها» و نکته دوم اینکه خواننده علم تاریخ نیز همانند راوی تاریخ، باید بدون پیش‌داوری و زمینه قبلی حاصل از جو زمان و به سان قاضی بی طرف به مطالعه آن بپردازد تا به نتایج صحیح که از مطالعه تاریخ انتظار می‌رود دست یابد. عدم پیش‌داوری و بی‌طرفی محض این امکان را به خواننده خواهد داد که با عدالت، نسبت به وقایع گذشته جمع‌بندی و در نتیجه‌گیری «حکم» به «عدالت» کند «و اذا حَكَمْتُمْ بَیْنَ النَّاسِ اَنْ تَحْكُمُوْا بِالْعَدْلِ» و در این حالت و فقط در این حالت خواهد بود که «علم تاریخ» به خوبی خواهد توانست انسان‌ها را پند دهد و موعظه کند، یعنی «اِنَّ اللّٰهَ نِعْمًا یَعْضُکُمْ بِهٖ اِنَّ اللّٰهَ کَانَ سَمِیْعًا بَصِیْرًا».

این کتاب سعی دارد گوشه‌هایی از تحولات سیاسی دوره بحرانی پس از انقلاب، بین سال‌های ۶۰-۱۳۵۷ را بازگو کند، گوشه‌هایی از وقایع سیاسی این دوران که همواره برای اینجانب و بسیاری از مردم کشورمان سؤالات فراوانی ایجاد کرده بود که غالب آنها در دوران حوادث متوالی پس از انقلاب بدون پاسخ مانده و ذهن را کنجکاو باقی گذاشته است.

اما کسانی که از همه بیشتر و پیش‌تر طالب شنیدن و خواندن تاریخ سیاسی کشورمان هستند جوانان و نوجوانان علاقمند به مباحث سیاسی‌اند که می‌خواهند بدانند پس از انقلاب چه تحولاتی در صحنه قدرت سیاسی کشور اتفاق افتاده و چه کسانی در این تحولات تأثیرگذار بوده‌اند. شک ندارم که بسیاری، از جمله اینجانب مشتاق شنیدن و خواندن واقعیت‌های پشت پرده صحنه سیاست کشور در این دوره پرتلهاب بوده و هستند. در این میان خلاصه‌ای از تحولات تاریخی این دوره نه تنها خالی از فایده نیست بلکه آموزنده و جذاب نیز خواهد بود. آموزنده از این حیث که از اشتباهات سیاستمداران پند می‌گیریم و عملکرد درست آنان را سرلوحه کار خود قرار می‌دهیم و جذاب از اینرو که تاریخ داستانی واقعی اما پر ماجراست. مهم‌تر این که برای جوانان و نوجوانان جذابیت از آنرو بیشتر خواهد شد که گوشه‌ای از این تاریخ را خود مشاهده و لمس کرده‌اند و می‌خواهند بدانند قبل از آن چه اتفاقاتی افتاده و جناح‌های سیاسی و بازیگران صحنه سیاست کشورمان در گذشته ای نه‌چندان دور چه نقشی داشته و چگونه عمل کرده‌اند، نقطه‌ضعف‌ها و قوت‌ها چه بوده، بر سر چه مسائلی اختلاف داشته و آراء و افکار کدامیک در آن هنگام واقع‌بینانه‌تر بوده است و همان سیاستمداران اکنون چقدر بر مواضع گذشته خود ایستاده‌اند یا چقدر از آن عدول کرده‌اند.

شاید به ذهن خواننده کتاب، این سؤال مترتب شود که بیان اختلافات و تنازعات سیاسی تلخ این دوره چه سودی عایدان خواهد کرد و ما اصولاً به دنبال چه نتیجه‌ای از طرح مباحث گذشته هستیم. پاسخ آنست که حداقل مطالعه این‌گونه کتابها دو نکته راروشن می‌سازد: اول آنکه خواننده با چهره و موضع گیریهای گذشته سیاستمداران

وجناحهای سیاسی امروز کشورمان آشنا می‌شود و از این جهت با حضور ذهن نسبت به گذشته و تطابق مصادیق عملکرد گذشته آنها با زمان حال، سریع تر و با وضوح بیشتر مواضع کنونی آنها را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و به نتیجه مطلوب می‌رسد. دوم آنکه دانستن تاریخ انقلاب از بدو آن تاکنون زاویه دید طالبان حقیقت را چنان گسترش خواهد داد که به بینش لازم جهت «قضاوت» «عادلان» نسبت به گروهها وجناحهای سیاسی کنونی دست یابند. چنان «قضاوت عادلانه‌ای» به‌جز آنکه به شرایط خواننده یعنی عدم پیشداوری و بی‌طرفی او نیاز دارد به این مهم نیز وابسته است که محتوای این کتاب چنان بر واقعیت منطبق باشد که جای هیچگونه شک و شبهه‌ای باقی نماند.

بنده بر این باورم که بجای اقتباس وقایع تاریخ سیاسی از تحلیل‌های جانبدارانه و مغرضانه تاریخ نویسان وابسته به جریان‌ات سیاسی باید بطور مستقیم مواضع و عملکردهای هریک از گروههای تأثیرگذار بر وقایع سیاسی معاصر کشورمان از زبان چهره‌های شاخص و نوشته‌های مستدل و مستند خود آنان اقتباس شوند و حال اگر تحلیلی شخصی نیز وجود داشت بر آن افزود تا اولاً خدشه‌ای بر درستی مطلب وارد نیاید و ثانیاً تحلیل شخصی مؤلف، با واقعیت مخلوط و تصویری غیرواقعی بر ذهن خواننده نقش نبندد.

مؤلف همین‌جا از فرصت استفاده کرده بر دو نکته با اصرار تأکید می‌کند: نکته اول این‌که در روایت کتاب بر مدارک مکتوب، مستند و غیرقابل انکار و نوشته‌های هر گروه (صرف‌نظر از آنکه تا چه حد این مدارک و نوشته‌ها واقع امر را منعکس ساخته) استناد شده است. گواه این مدعا ذکر منبع اقتباس هر یک از مطالب است که خواننده به راحتی می‌تواند با مراجعه به منبع، صحت آنرا دریابد. نکته دوم آنکه مؤلف با آنکه در مورد هریک از موضوعات سیاسی عنوان شده در کتاب نظر خاص خود را دارد و البته حق داشتن آنرا برای خود محفوظ می‌دارد لیکن بر این مدعاست که هیچگاه در

روایت وقایع تاریخی و حتی در تحلیل آنها سعی در القاء نظریات خود بر ذهن خواننده را نداشته و بر این نکته با قدرت تأکید می‌کند.

روش بیطرفانه این کتاب محصول این نگرش است که هیچ گروه یا جناحی را نمی‌توان حق یا باطل مطلق فرض کرد و صد البته هیچ گروهی نیز نمی‌تواند مدعی تمامیت حق باشد و دیگران را باطل تصور کند، همچنین اگر بر این تصور باشد به لحاظ عقلی نمی‌توان ارزشی برای آن قایل شد. با آنکه مؤلف به وجود حق و باطل مطلق معتقد است اما هیچ‌یک از گروهها و احزاب را در دایره حق و باطل مطلق جای نمی‌دهد و بر عدم قطعیت در این امور باور دارد زیرا تمام انسان‌ها ممکن الخطا و به هر جهت جملگی انسانیم. حداکثر می‌توان یک یا چند گروه را دارای نظریاتی قریب به حقیقت دانست که در این حالت نیز مؤلف برای آنکه احتمال می‌داد شائبه طرفداری از جناح یا گروهی در اذهان بوجود آید از ابراز نظر در این مورد خودداری کرده است.

در یک کلام، این کتاب در پی نتیجه‌گیری از وقایع تلخ و شیرین دوران پرتلاطم سه‌ساله اولیه پس از انقلاب اسلامی به منظور موضع‌گیری له یا بر علیه جریان سیاسی خاص و قضاوت در مورد عملکرد جناح‌های سیاسی دخیل در این وقایع نبوده و نیست و این مهم را به عقل سلیم خواننده و دیدگان بصیر آیندگان واگذار می‌کند.

این کتاب مشتمل بر مقدمه، پیشگفتار و ۷ فصل می‌باشد که هر فصل شامل یک مرحله از تحولات سیاسی مهم این دوره می‌باشد.

- فصل اول به اختصار صف بندی نیروهای سیاسی آن دوره را بیان می‌کند.

- فصل دوم به چگونگی انتخاب و استعفای دولت موقت جمهوری اسلامی و وقایع این دوره می‌پردازد.

- فصل سوم به چگونگی انتخاب اولین رئیس جمهور و وقایع منجر به انتخاب اومی‌پردازد.

- فصل چهارم به وقایع انتخابات اولین دوره مجلس شورای اسلامی می‌پردازد.

– فصل پنجم به چگونگی انتخاب اولین نخست وزیر جمهوری اسلامی و وقایع منجر به آن می‌پردازد.

– فصل ششم به وقایع تاریخی منجر به رأی عدم اعتماد مجلس به اولین رئیس‌جمهور جمهوری اسلامی می‌پردازد.

– فصل هفتم به جمع بندی و نتیجه‌گیری از این دوره تاریخی پر التهاب می‌پردازد. روشن است که چون دیگر موارد، این کتاب نیز خالی از اشکال نبوده و دارای نواقصی می‌باشد. لذا از خوانندگان عزیز و اساتید ارجمند خواهشمندم اینجانب را از راهنمایی‌ها و ارشادات خود محروم نکرده و نواقص احتمالی را برای رفع در چاپهای بعدی اطلاع دهند که قرین امتنان خواهد بود. به خصوص در صحت و سقم احتمالی مطالب تاریخی، مؤلف خرسند خواهد بود نظریات خواننده پیرامون چگونگی واقعیات تاریخی که احتمالاً در کتاب آن طور که باید و شاید و همه جانبه مورد بررسی قرار نگرفته است را دریافت و مورد بررسی قرار دهد و در صورت صحت نظریات خواننده نسبت به رفع هرگونه شبهه از کتاب اقدام کند.

در پایان از تمام کسانی که به نوعی در زمینه جمع‌آوری مطالب، اخذ منابع، حروف‌چینی، چاپ و صحافی این کتاب مساعدت کرده‌اند کمال تشکر و امتنان را دارم. امید است این سعی ناچیز مقبول افتد.

عباس شادلو

اردیبهشت ۸۱

پیشگفتار

وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ. آل عمران ۱۰۸

حتماً گروهی یا امتی از شما باشند که دعوت به خیر و خدمت نمایند و امر به خوبیها و نهی از زشتیها کنند و همین گروه ملت هستند که پیروز و رستگار میشوند. و هرگز مانند کسانی نباشید که بعد از دریافت دلیل و بینات یا تجربیات، راه تفرقه و اختلاف پیش گرفتند و این مردم هستند که برایشان عذاب بزرگ مقدر است.

حاکمیت یا نظام سیاسی یک جامعه مدرن امروزی^۱ به معنی عالیترین اقتداری است که در شخص یا نهادی وجود دارد بطوری که هیچ حکمی بالاتر از حکم او وجود نداشته باشد. در نظامهای دموکراسی غرب که بیشتر بر مدار گرایشهای لیبرالیستی می چرخد حاکمیت به «مردم و انتخاب مردم» تعبیر شده به عبارتی در آنجا دموکراسی به معنای حاکمیت رأی اکثریت مردم حاکم است ولو عده زیادی از مردم این حاکمیت را نپذیرفته

۱. آموزش دانش سیاسی، حسین بشیریه، ص ۲۷